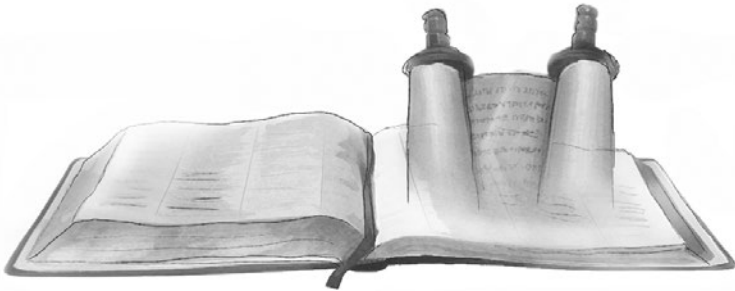


تثنيه در عهد جديد



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۴ آیات ۱-۱۱، تثنيه باب ۸ آیه ۳، اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۳۴، غلاطیان باب ۳ آیات ۱-۱۴، اعمال باب ۷ آیه ۳۷، عبرانیان باب ۱۰ آیات ۲۸-۳۱.

آیه حفظی: «مکتوب است که: انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هرکلامی که از دهان خدا صادر شود» (متی باب ۴ آیه ۴).

عهد جدید از بطن عهد قدیم مولود گشته است. یعنی نویسندگانی که الهام یافته و عهد جدید را نوشتند از نویسندگان الهام یافته عهد عتیق به عنوان منبع اقتدار بهره برده اند. عیسی خود گفت «مکتوب است» (متی باب ۴ آیه ۴)، یعنی «در عهد عتیق نوشته شده است»؛ و نیز گفت «آیات مقدس می باید تحقق یابد» (مرقس باب ۱۴ آیه ۴۹). یعنی آیات عهد عتیق. و وقتی عیسی با دو تن از حواریون خویش در راه عماثوس می رفت، به جای اینکه به آنان توسط معجزه نشان دهد که کیست، «سپس از موسی و همه انبیاء آغاز کرد و آنچه را که در تمامی کتب مقدس در باره او گفته شده بود، برایشان توضیح داد» (لوقا باب ۲۴ آیه ۲۷).

خواه با استفاده از نقل قول مستقیم از عهد عتیق، یا اشارات، یا با ارجاع به داستان ها و پیشگویی ها، نویسندگان عهد جدید دائماً از عهد عتیق برای تقویت، حتی توجیه ادعاهای خود استفاده می کردند.

و بین کتابهایی که از آنها به عنوان نقل قول یا مرجع استفاده می کردند تثنيه بود (به علاوه مزامیر و اشعیا). متی، مرقس، لوقا- اعمال رسولان، یوحنا، رومیان، غلاطیان، اول و دوم قرنتیان، عبرانیان، نامه های رسولان و مکاشفه همه به تثنيه رجوع می کنند.

این هفته به برخی از این نمونه ها نگاهی می اندازیم و می بینیم که چه درسی از حقیقت حاضر می توانیم بیاموزیم.

*درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۲۷ آذر حاضر شوید.

«مکتوب است»

متی باب ۴ آیات ۱-۱۱ را بخوانید. عیسی چگونه به وسوسه های شیطان در بیابان پاسخ می دهد، و در پاسخی که می دهد امروزه چه درسی برایمان در این پاسخ عیسی وجود دارد؟

عیسی نه تنها با شیطان استدلال نمی کرد بلکه مباحثه هم نمی کرد. او به راحتی از کتب بهره می گرفت چراکه، به عنوان کلام خدا، «زنده و موثر است و برنده تر از هر شمشیردو دم» (عبرانیان باب ۴ آیه ۱۲). و هر بار که به کلام خدا رجوع می نمود از کتاب تثبیه بود. چقدر جالب است که عیسی در بیابان انتخاب کرد تا از متونی نقل قول کند که به اسرائیل هم در بیابان داده شد. عیسی در اولین وسوسه اش به تثبیه باب ۸ آیه ۳ رجوع کرد. موسی برای اسرائیل کهن تعریف می کرد که خداوند در تمام آن سالها در بیابان، از جمله دادن مَنَّا - که بخشی از یک فرآیند پالایش برای قوم بود، به آنها کمک کرد، زیرا خداوند در صدد این بود تا به آنان درسهای روحانی بیاموزد. و در میان آن درسها این بود که «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلام خدا که از دهان او صادر می شود». خدا به شما غذای جسمی داد، اما همچنین به شما غذای روحانی می دهد. بدون دومی نمی توانید فقط اولی را بگیرید. عیسی از تصویر نان استفاده کرد تا به تثبیه پللی بزند تا تلاش شیطان را برای القا و ایجاد شک و تردید در او شکست داده و محکوم سازد.

در وسوسه دوم، عیسی به تثبیه باب ۶ آیه ۱۶ رجوع می کند، جایی که در آنجا موسی به مردم طغیانشان را یادآوری می کند که در مسّه مرتکب شدند (به خروج باب ۱۷ آیات ۱-۷ رجوع کنید). «نباید خدا را امتحان کنید چنانچه در مسّه او را امتحان کردید». کلمه «وسوسه کردن» می تواند به معنای «آزمایش نمودن» یا «امتحان کردن» باشد. خداوند قبلاً بارها و بارها به آنها قدرت و تمایل خود برای تأمین مایحتاجشان را نشان داده بود؛ بازهم لحظه ای که مشکل به وجود آمد آنان فریاد زدند «آیا خداوند در میان ما هست یا نه؟» (خروج باب ۱۷ آیه ۷) و از آن داستان بود که عیسی از کلام خدا بهره گرفت تا شیطان را سرزنش کند.

در وسوسه سوم این بار شیطان سعی بر این داشت تا مسیح را مجبور کند تا در برابرش کرنش نموده و او را بپرستد. چه افشاگری آشکاری از اینکه او واقعاً چه کسی بوده و واقعاً چه می خواهد! به جای بحث، عیسی شیطان را سرزنش می کند و دوباره به کلام خدا، به کتاب تثبیه رجوع نمود، جایی که خداوند به مردم خود هشدار می داد که در صورت سقوط و پرستش خدایان دیگر، چه اتفاقی خواهد افتاد. «از پیهوه خدای خود بترس و اوراعبادت کن» (تثبیه باب ۶ آیه ۱۳). یعنی تنها و تنها او را.

چگونه می توانیم یاد بگیریم که از مطالعه کلام خدا قدرت بیشتری در زندگی خود بگیریم تا شخصیت عیسی را کاملاً منعکس کنیم و مانند او در برابر وسوسه های شیطان مقاومت کنیم؟

بالا گرفتن صورتها

در تثنیه باب ۱۰ موسی (بازهم) تاریخ اسرائیل را بازگویی کند و (بازهم) با این بازگویی ها قوم خود را پند و اندرز می داد. در میان این نصایح او چیز دیگری گفت.

تثنیه باب ۱۰ آیات ۱۷-۱۹ را بخوانید. پیام ضروری برای قوم در اینجا چیست و چرا این پیام به کلیسای امروزی خدا هم ارتباط دارد؟

عبارت «تبعیض قائل نمی شود» از گفتار عبرانی ترجمه شده است؛ این به معنای این است که او «صورتها را بلند نمی کند». اعتقاد بر این است که این از یک فضای قانونی ناشی شده است که در آن قاضی یا پادشاه چهره شخص مورد محاکمه را می بیند و بر اساس وضعیت آن شخص (شخص مهم یا شخص ناچیز)، قاضی یا پادشاه حکم می دهد. مفهوم اینجا در تثنیه این است که خداوند علی رغم قدرت زیادی که دارد با مردم چنین رفتاری ندارد. او نسبت به همه با هر وضعیتی که داشته باشند منصفانه عمل می کند. این حقیقت، البته، در زندگی عیسی آشکار شد و چگونه با حقیرترین افراد جامعه نیز رفتار کرد.

اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۳۴، رومیان باب ۲ آیه ۱۱، غلاطیان باب ۲ آیه ۶، افسسیان باب ۶ آیه ۹، کولسیان باب ۳ آیه ۲۵ و اول پطرس باب ۱ آیه ۱۷ را بخوانید. این آیات چگونه از تثنیه باب ۱۰ آیه ۱۷ استفاده می کنند؟

با اینکه شرایط در هر یک از این مراجع گوناگون است (در افسسیان پولس به اربابان می گوید که مراقب باشند که چگونه با غلامان شان رفتار می کنند؛ در رومیان پولس در مورد این حقیقت صحبت می کند که، وقتی موضوع در مورد نجات و محکومیت باشد، تفاوتی بین یهودیان و غلاطیان نیست)، تمامی اینها به تثنیه برمی گردد و اینکه خدا «صورتها را برمی افرازد» و اگر خدا «خدای خدایان و ربّ الارباب، خدای متعال، قادر مطلق و بی نظیر» است آن کار را انجام نخواهد داد، و در نتیجه ما هم یقیناً نباید انجام دهیم.

به ویژه در نحوه استفاده پولس در رومیان، می توانیم مکاشفه ای از انجیل را مشاهده کنیم: ما همگی در یک کشتی هستیم علی رغم اینکه در چه جایگاه و موقعیتی باشیم. همگی ما انسانهای سقوط کرده ایم و به فیض نجات دهنده خدا نیازمندیم و خبر خوش این است که، علی رغم موقعیتمان، به همگی ما نجات در مسیح ارزانی شده است.

هرچند وقت، حتی با زیرکی، «چهره ها را بلند می کنید»، و چرا صلیب به ما نشان می دهد که واقعاً آن نگرش چقدر گناه است؟

درختی ملعون شده

غلاطیان باب ۳ آیات ۱ تا ۱۴ را بخوانید. پولس در آنجا چه می گوید که امروز به ما مربوط است و چگونه از تثنیه باب ۲۷ آیه ۲۶ و تثنیه باب ۲۱ آیات ۲۲، ۲۳ برای اظهار نظر خود استفاده می کند؟

متأسفانه، در مسیحیت معمول است که از این نامه به عنوان نوعی توجیه برای عدم رعایت احکام، یعنی ده فرمان استفاده می کنند. البته، این استدلال واقعاً به عنوان دلیلی برای عدم حفظ دستور چهارم مورد استفاده قرار می گیرد، گویی که حفظ آن یک دستور، در مقابل نه فرمان دیگر، به نوعی بیانگر قانون گرایی است که پولس در اینجا با آن سر و کار داشت.

با این حال، پولس بر خلاف شریعت صحبت نمی کرد، و مطمئناً هیچ چیز در این بخش نمی تواند توجیه کننده شکستن حکم سبت باشد. نکته کلیدی در غلاطیان باب ۳ آیه ۱۰ یافت می شود که در آن او اینگونه می نویسد «آنانکه برانجام اعمال شریعت تکیه دارند، زیر لعنت قرار دارند» و سپس از تثنیه باب ۲۷ آیه ۲۶ نقل قول می کند. مسئله اطاعت از شریعت نیست بلکه «تکیه بر شریعت» است- که موقعیتی سخت می باشد، اگر چه برای موجودات افتاده ای مانند خود ما غیرممکن نیست. چیزی که پولس بدان اشاره می کند این است که ما با انجام اعمال شریعت نجات نمی یابیم بلکه با مرگ مسیح که به خاطر ما مُرد، که این امر هم با ایمان هست که بهای آن داده شد. تاکیدش در اینجا بر آن چیزی است که مسیح برایمان انجام داده، یعنی بر صلیب و برای اینکه این نکته را متوجه شویم باز به تثنیه رجوع می کند، تثنیه باب ۲۱ آیه ۲۳. همانند عیسی، پولس می گوید «مکتوب است» که این اقتدار عهد عتیق را نشان می دهد، و اکنون او از آیه ای نقل قول کرده است که مربوط به کسی است که مرتکب یک جرم بزرگ شده و به خاطر آن محکوم شده، سپس به درخت شاید به عنوان یک عامل بازدارنده و عبرتی برای دیگران آویخته شده است.

اگرچه پولس از آن به عنوان نمادی برای مرگ جایگزینی بخاطر ما استفاده می کند: مسیح به دلیل اینکه با لعنت شریعت روبرو شد، «لعنتی برای ما» شد. یعنی مرگ، که همه انسانها با آن روبرو می شوند، زیرا همه احکام را نقض کرده اند. با این وجود، خبر خوش انجیل، این است که لعنتی که ما باید آنرا متحمل می شدیم را او متحمل شد، بر صلیب، «و تا ما آن روح را که وعده داده شده بود، از راه ایمان دریافت کنیم» (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۴).

یا، همانطور که الن جی وایت گفت: «هیچ کس به جز مسیح نمی تواند انسان سقوط کرده را از این لعنت شریعت برهاند و دوباره او را به هماهنگی آسمان درآورد. مسیح گناه و شرم گناه را بر خود گرفت- گناهی که آنقدر برای خدای مقدس زنده بود که باید پدر و پسر را جدا می کرد.»- الن جی وایت، مشایخ و انبیاء- صفحه ۶۳.

به این فکر کنید که اگر بخواهید برای هر خطایی که مرتکب شدید مجازات عادلانه دریافت کنید، با چه روبرو می‌شدید. با این حال، چون مسیح مجازات اشتباهات شما را در خود متحمل شد، تا شما متحمل نشوید، پاسخ شما به فداکاری او چه باید باشد؟

۲۴ آذر

چهارشنبه

یک نبی مانند شما

خداوند به دفعات به اسرائیل هشدار داده بود تا از اعمال قوم‌های اطرافشان پیروی نکنند. درعوض آنان می‌بایست شاهدانی برای آن قوم‌ها می‌شدند (تثنیه باب ۴ آیات ۶ تا ۸). در تثنیه باب ۱۸ آیات ۹ تا ۱۴ موسی باز به آنان در مورد اعمالی خاص هشدار می‌دهد، که «نزد خداوند مکروه» بود (تثنیه باب ۱۸ آیه ۱۲). بعد او به آنان می‌گوید که باید «در حضور یهوه خدایتان بی‌عیب باشید» (تثنیه باب ۱۸ آیه ۱۳).

تثنیه باب ۱۸ آیات ۱۵ تا ۱۹ را بخوانید. موسی در اینجا به آنان چه می‌گوید؟ بعد با اعمال باب ۳ آیه ۲۲ و اعمال باب ۷ آیه ۳۷ مقایسه نمایید. پطرس و استیفان چگونه به تثنیه باب ۱۸ آیه ۱۸ عمل می‌کنند؟

با رجوع به عهد در کوه سینا، موسی در این باره صحبت می‌کند که چگونه فرزندان اسرائیل، در مکاشفه شریعت خدا (خروج باب ۲۰ آیات ۱۸ تا ۲۱)، خواستند تا موسی به عنوان شفیع عمل کند، میان آنان و خدا شفیع باشد. بعد از آن بود که موسی به آنان دو مرتبه قول می‌دهد (تثنیه باب ۱۸ آیات ۱۵ و ۱۸) که خداوند فردی را همچون موسی بر می‌خیزاند، این ایده، با توجه به بستر تاریخی، این نبی، مانند موسی، در میان چیزهای دیگر نیز شفاعت‌کننده‌ای بین مردم و پروردگار خواهد بود. قرن‌ها بعد هم پطرس و هم استیفان از آیه نقل قول نموده و به عیسی نسبت می‌دهند. برای پطرس، عیسی تحقق آن گفته‌هایی بود که توسط «همه انبیاء مقدس» (اعمال باب ۳ آیه ۲۱) گفته شده بود، و اینکه رهبران نیاز دارند تا از او و آنچه گفته اطاعت کنند. یعنی، پطرس از این آیه بهره می‌گیرد، که یهودیان از آن آگاه بودند و مستقیماً آنرا برای عیسی بکار بردند، با این تفکر که آنان نیاز داشتند تا از آنچه برای او انجام داده بوده‌اند توبه کنند (اعمال باب ۳ آیه ۱۹).

سپس در اعمال باب ۷ آیه ۳۷، هنگامی که استیفان، اگرچه در زمینه‌ای متفاوت از پطرس بود، عیسی را اعلام می‌کرد، او نیز به آن وعده مشهور اشاره کرد، و او نیز به عیسی اشاره کرد. او می‌گفت که موسی در نقش خویش در تاریخ و رهبری یهودیان، عیسی را مجسم کرده بود. همانند پطرس بود، استیفان در پی آن بود تا به مردم نشان دهد که عیسی تحقق نبوت بود و آنان باید به او گوش دهند. بر خلاف اتهامی که بر استیفان وارد شده بود که «سخنان کفرآمیز علیه موسی و خدا» می‌گوید (اعمال باب ۶ آیه ۱۱) استیفان، عیسی را به عنوان مسیح موعود اعلام کرد، تحقق مستقیم آنچه خداوند از طریق موسی وعده داده بود.

چگونه این آیات به ما نشان می دهند که عیسی در کانون کل کتاب مقدس است و چرا درک ما از آن باید مسیح محور باشد؟

۲۵ شهریور

پنجشنبه

چیزی ترس آور

کتاب عبرانیان با تمام عمق و رفعت آن، در بسیاری از طرق، پند و اندرز طولانی برای ایمانداران مسیحی یهودی بود و آنچه که در این پند باید انجام دهند این است: برای خداوند وفادار بمانید! این وفاداری، مطمئناً باید از عشق ما به خدا ناشی شود، بخاطر او خصلت و نیکوئی او که در صلیب مسیح قدرتمندانه بیان شده است. هر چند گاهی لازم است به انسان یادآوری شود که عواقب وحشتناک دور شدن چه عواقبی خواهد داشت. یعنی، باید به یاد داشته باشیم که، در پایان، اگر آنچه را که عیسی برای ما در پرداخت جریمه گناهان ما انجام داده است، نپذیریم، مجبور خواهیم شد که این مجازات را خودمان متحمل شویم، و این یعنی «گریه و فشار دندان» (متی باب ۲۲ آیه ۱۳) که به دنبال آن نابودی ابدی است.

عبرانیان باب ۱۰ آیات ۲۸ تا ۳۱ را بخوانید. پولس چه می گوید و چگونه این مطلب را برای خودمان نیز می توانیم به کار ببریم؟

چقدر جالب است که پولس برای اینکه به یهودیان اندرز بدهد تا به خدا وفادار بمانند، از تشبیه نقل قول می کند، که اندرزی برای ایمانداران یهودی بود تا نسبت به خدا وفادار بمانند! پولس برای اینکه به این واقعیت اشاره کند که کسی که لایق مرگ است تنها زمانی با مرگ روبرو می شود که حداقل دو نفر بر ضد آن شخص شهادت دهند، به تشبیه باب ۱۷ آیه ۶ رجوع می کند.

اما پولس اینکار را کرد تا این مطلب را بفهماند که اگر وفاداری تحت عهد می توانست به مرگ منتهی شود، چقدر «به گمان شما بیشتر کسی که پسر خدا را پایمال کرده و خون عهدی را که بدان تقدیس شده بود، ناپاک شمرده و به روح فیض، بی حرمتی روا داشته است، سزاوار مجازاتی بس سخت تر خواهد بود؟» (عبرانیان باب ۱۰ آیه ۲۹). به عبارتی دیگر، شما نور و حقیقت بیشتری از آنچه آنان کردند دارید، و شما در مورد قربانی پسر خدا برای گناهانتان می دانید؛ بنابراین، اگر شما دور شوید، محکومیتان بسیار بیشتر از آنان خواهد بود.

سپس پولس سریعاً به تشبیه رجوع می کند، حال در تشبیه باب ۳۲ آیه ۳۵، تا استدلالش بر مبنای آن باشد. با در نظر گرفتن آنچه به آنان در مسیح داده شده بود، علم شان از برکت عظیمی که خداوند برایشان مهیا ساخت و خداوند گفت «انتقام از آن من است» و برای کفر و بی وفایی «مردم را داوری خواهد کرد». گذشته از همه اینها، او نیاکانشان را داوری کرده بود، که از آنچه که یهودیان عهد جدید دارند برخوردار نبودند، که مکاشفه کاملی از محبت خدا بود که در صلیب آشکار گردید. از این رو، اساساً، پولس چنین می گوید: مراقب باشید و دست از پا خطا نکنید!

«زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد» (تثنیه باب ۳۲ آیه ۳۶). تنها امیدمان در این داوری چیست (به رومیان باب ۸ آیه ۱ رجوع کنید)؟

جمعه

۲۶ آذر

اندیشه ای فراتر: دقیقاً همانطور که عهد عتیق از خود نقل قول می کند (یعنی برخی از انبیاء به آن رجوع می کردند یا از آن نقل قول می کردند، به عنوان مثال پنج کتاب از کتابهای موسی)، عهد جدید پراست از نقل قولهای مستقیم، مرجع ها و اشاراتی به عهد عتیق. مزامیر، اشعیا و تثنیه از جمله کتابهایی بودند که از آنان نقل قول می شد. غالباً نویسندگان عهد جدید نیز از آنچه که به عنوان سبتوجنت (ترجمه یونانی کتاب مقدس از عهد قدیم) مشهور است نقل قول می کردند، بعضی وقتها هم «عهد عتیق یونانی» نامیده می شد که ابتدائی ترین ترجمه یونانی کتاب مقدس عبرانی است. پنج کتاب اول کتاب مقدس، که به عنوان تورات یا اسفار پنجگانه شناخته می شود، در قرن سوم قبل از میلاد ترجمه شد و باقی عهد عتیق تقریباً در قرن دوم قبل از میلاد.

همچنین می توان در مورد چگونگی تفسیر کتاب مقدس با استفاده از نویسندگان الهام گرفته شده از عهد جدید، چیزهای زیادی یاد گرفت. یکی از دروسی که می توانیم یاد بگیریم، برخلاف بسیاری از تعلیمات کتاب مقدس امروزی، این است که نویسندگان عهد جدید هرگز اقتدار و اختیارات عهد عتیق را زیرسوال نمی بردند. هیچ چیزی در نوشته هایشان مکاشفه نشد، به عنوان مثال، شک درباره تاریخی بودن داستانهای عهد عتیق، از وجود آدم و حوا، سقوط انسان، طوفان نوح، تا فراخوانی ابراهیم و غیره.

« کار پژوهشگری » که این چیزها را زیر سوال می برد تنها شک گزافی بشری است و نمی تواند در قلبها و اذهان ادونتیست های روز هفتم جای داشته باشد.

سوالاتی برای بحث:

۱. با در نظر گرفتن تمام نوری که به ما ادونتیست های روز هفتم داده شده است، چه درسی در مورد مسئولیت عظیمی که بر ما است تا نسبت به حقایقی که به ما داده شده است صادق بمانیم می دهد؟

۲. دوباره تثنیه باب ۸۱ آیات ۹-۴۱ را بخوانید. کدامیک از مظاهر مدرنی از چیزهایی که «برای خداوند مکروه است» امروزه وجود دارد، و چگونه می توان اطمینان حاصل کرد که از آنها دوری می کنیم؟

۳. چرا، از بین تمامی مردم، مسیحیان که کاربرد جهانی مرگ مسیح بر روی صلیب را می فهمند هرگز نباید «صورتها را برافرازند» (به مطالعه روز دوشنبه رجوع کنید)؟ چگونه می توانیم در خودمان تمایل به انجام آن را تشخیص دهیم (و آیا خود را فریب نمی دهیم چنانچه انکار کنیم که تمایلی اندک در ما وجود ندارد؟). چگونه صلیب مسیح و نگه داشتن صلیب در برابرمان، ما را از این نگرش اشتباه باز می دارد؟